**بسم الله الرحمن الرحیم [[1]](#footnote-1)**

**بررسی اشکال محقق نائینی به کلام محقق خراسانی**

کلام در این بود که محقق نائینی به نظریۀ محقق خراسانی اشکال کردند و فرمودند اصالۀ الاطلاق و ظهور حجت است تا مانع عقلی و شرعی وجود نداشته باشد و احتمال مانعیت ثبوتی جلوی اصالۀ الاطلاق را در مقام اثبات نمی‌گیرد. شهید صدر و جمعی از محققین هم فرمودند کلام محقق نائینی «متین جدا».

ما دیروز عرض کردیم که به نظر ما اشارۀ محقق خراسانی اشاره به نکتۀ بسیار دقیقی است که در کلمات محقق نائینی و دیگر اعلام این نکته مورد غفلت قرار گرفته است، وارد شدیم این نکته را توضیح بدهیم تا بعد نتیجه گیری کنیم.

آن نکته این است که عرض کردیم قیدهایی که در کلام مولا اخذ می‌شود یا کلام نسبت به آنها اطلاق دارد بر دو قسم است:

**قسم اول:** برخی از این قیدها صغری و کبرای آنها به دست شارع است و ربطی به عقل و عقلاء ندارد، در این قیود ما کلام محقق نائینی را کاملا قبول می‌کنیم که قیودی که صغری و کبرای آنها به دست شارع است نسبت به این قیود اگر کلام مولا مطلق بود به اصالۀ الاطلاق در مقام اثبات تمسک می‌کنیم و می‌گوییم در مقام ثبوت هم مسأله همین است پس دلیل شارع اطلاق دارد.

**مثال اول:** یک دلیل عام داریم « فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ»[[2]](#footnote-2) این عام و مطلق است، این عام تخصیص خورده است، به جمع بین الاختین که شارع می‌گوید جمع بین الاختین از نظر من مفسده دارد لذا نکاح منهی عنه است. این «انکحوا» تخصیص خورده است، اگر شارع نبود، عقل و عقلاء در جمع بین الاختین، مفسدۀ لازم الرعایۀ نمی‌بینند، جمع بین اختین در نز د عقلاء مثل جمع دو زن اجنبی است. این قید، صغرای آن و کبرای آن به دست شارع است، یعنی شارع است که می‌گوید «الجمع بین الاختین فیه مفسده فلا تجمع بینهما».

**مثال دوم:** گاهی هم جمع بین دو ختر عمو است آیا مفسده دارد یا نه؟ در نزد عقل و عقلاء مثل جمع بین اختین است و مفسده ندارد. به کلام شارع هم مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم نه در آیه‌ای و نه در روایتی نهی نشده‌ایم از جمع بین دو دختر عمو، لذا از اطلاق «فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» ما استفاده می‌کنیم و مقام ثبوت را هم می‌یابیم و می‌گوییم جمع بین دو دختر عمو مشکلی نداریم.

در این قسم به محقق نائینی عرض می‌کنیم قیودی که تشخیص مصلحت و مفسدۀ آن به دست شارع است، ما اصلا به مقام ثبوت کاری نداریم از مقام اثبات به مقام ثبوت می‌رسیم و می‌گوییم مولا گفته « فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ»، اعلام نکرده در هیچ موردی که جمع بین دو دختر عمو مشکل دارد پس ثبوتا در نزد شارع محذور ندارد، اینجا شما اگر احتمال مفسده هم بدهید لازم نیست اعتنا کنید و به اطلاق کلام مولا تمسک می‌کنید.

یا فرض کنید بیع معاطاتی که در نزد عقلاء مفسده ندارد شک داریم، آیا شارع در آن مفسده می‌بیند یا نه؟ به اطلاق «احل الله البیع» تمسک می‌کنیم و می‌گوییم در نزد شارع هم مفسده ندارد و الا نهی می‌کرد.

**قسم دوم:** اما برخی از قیود است که صغرای قیاس به دست عقل و عقلاست نه به دست شارع، در اینگونه موارد، اگر به اصالۀ الاطلاق در کلام شارع می‌خواهیم تمسک کنیم اول باید امکان عقلائی این قید در مقام ثبوت احراز شود، و الا اگر امکان عقلائی آن احراز نشد، تمسک به اصالۀ الاطلاق و اصالۀ الظهور در مقام اثبات درست نیست تا امکان عقلائی آن ثبوتا احراز نشده است.

به عبارت دیگر هر جا صغرای قیاس به دست عقل و عقلاست و قید عقلی است، اینجا باید اول ثبوت و امکانش عقلا روشن شود، تا بشود به اطلاق کلام مولا تمسک کرد، تا ثبوتش عقلا روشن نباشد، تمسک به اطلاق کلام مولا صحیح نیست.

**توضیح مطلب:** ما نحن فیه که توجه تکلیف به غیر مبتلی است، از اینگونه قیود است، همۀ بحث ما در گذشته این بود آیا عقلاء توجه تکلیف را به غیر مبتلی صحیح می‌دانند یا نه می‌گویند مستهجن است؟ برخی از آقایان گفتند توجه تکلیف به غیر مبتلی عقلا متسهجن است یا عقلائیا، به زیدی که در خانه‌اش نشسته است اینجا به او بگوییم از لیوانی که ملکۀ انگلیس آب می‌خورد آب نخور، می‌خندند و می‌گوید چه حرفی است. جمعی مثل محقق اصفهانی فرمودند چون امکان ذاتی نسبت به این فرد وجود دارد، توجه تکلیف به او عقلا صحیح است چون امکان ابتلاء هست.

در این مسأله که یک بحث عقلی است حالا مولا در دلیل محرمات فرموده است «اجتنب عن النجس»، شیخ انصاری و محقق نائینی به اصالۀ الاطلاق تمسک کردند چه مبتلی باشی یا نباشی، مغزای کلام محقق خراسانی این است که می‌خواهند بفرمایند این قید چون قید عقلی و عقلائی است، شما ابتدا ثابت کنید توجه تکلیف به غیر مبتلی صحیح است بعد بگویید حالا که صحیح است عقلا و عقلائیا، شارع هم چون قید نیاورده است پس کلامش اطلاق دارد «اجتنب عن النجس» چه مبتلی به باشد یا نه، تا در مقام ثبوت امکان عقلی این قید ثابت نشود تمسک به اصالۀ الاطلاق معنا ندارد. این باب درست مثل مبحث قدرت عقلی در تکالیف است.

شما ببینید هیچ تکلیفی در آن قدرت عقلی در لسان شارع اخذ نشده است «صل ان کنت مقدورا عقلا»، «اجتنب عن النجس ان کنت مقدورا عقلا» آیا کسی می‌تواند به اصالۀ الاطلاق تمسک کند بگوید قید قدرت را شارع در کلامش اخذ نکرده است از اینکه شارع قید قدرت را در کلامش اخذ نکرده است ما نتیجه بگیریم چه مقدور باشد یا نباشد اجتناب از نجس لازم است؟ می‌گویند نخیر اینجا در مقام ثبوت عقلاء می‌گویند تکلیف به غیر مقدور درست نیست اصلا لذا کلام مولا اطلاق ندارد.

**نتیجه:** در قیودی که به دست عقل و عقلاست ابتدا باید مقام ثبوت و امکان این قید عقلائیا احراز شود بعد به اصالۀ الاطلاق تمسک کنیم، و قید ابتلاء و عدم ابتلاء از این قیود عقلائی است.

بنابراین در کلمات محقق نائینی به نظر ما یک خلطی واقع شده است بین قیودی که صغری و کبری آن به دست شارع است و قیودی که صغری و کبری آن به دست عقل است. لذا مطلب محقق خراسانی و محقق اصفهانی طبق مبانیشان متین است. می‌فرمایند «اجتنب عن النجس» اطلاق ندارد چه مبتلی و چه غیر مبتلی، چون در ثبوتش عقلا و عقلائیا شک داریم. فرض این است که این شخص مسألۀ اصولی برای او حل نشده است شک دارد آیا توجه تکلیف به غیر مبتلی درست است یا نه؟ لذا وقتی مقام ثبوت حل نشده است «اجتنب عن النجس» اطلاق ندارد. شک دارد آیا نسبت به غیر مبتلی احتیاط کند یا نه؟ اصالۀ الاطلاق در دلیل جاری نیست، نوبت به اصول عملی می‌رسد و بعد اصل برائت جاری می‌کند این صورت اول که حق با محقق خراسانی و محقق اصفهانی است.

**صورت دوم:** شک در ابتلاء و عدم ابتلاء به نحو شبهۀ مفهومی است بعد از روشن شدن مسألۀ اصولی، اینجا ابتدا صورت دوم و صورت سوم راکه شبهۀ مصداقی است یک توضیحی بدهیم و بعد احکام آن را بررسی کنیم که خواهد آمد.

1. - جلسه 56 – مسلسل 174– سه‌شنبه – 16/10/1399 [↑](#footnote-ref-1)
2. - سورۀ نساء، آیۀ 3. [↑](#footnote-ref-2)